

که راه بمدخل را نشان میدهد و ما بمحض اینکه از این مدخل عبور کردیم ، باید بماهیت مسئله دست یابیم ؛ این یگانه اسلوب مطمئن و علمی تحلیل است .

۳ - بهمین ترتیب ما هرگز نباید در ارزیابی نیروهای ضد انقلاب فقط به ظاهر خارجی آنها دیده بدوزیم ، بلکه باید ماهیت آنها را مورد مطالعه قرار دهیم . در اوایل حکومت مستقل منطقه مرزی حونان - جیان سی بعضی از رفقا که ارزیابی نادرست کمیته ایالتی حونان را جداً باور کرده بودند ، برای دشمنان طبقاتی پیشیزی ارزش قایل نمیشدند ؛ این دو اصطلاح توصیفی ، "فوق العاده متزلزل" و "بی نهایت وحشت زده" که تا با امروز شوخی معمول مردم مانده ، در آنزمان (یعنی از مه تا ژوئن ۱۹۲۸) از طرف کمیته ایالتی حونان در ارزیابی لودی پین (۳) حاکم حونان بکار میرفت . اینگونه ارزیابی از نظر سیاسی قطعاً کار را به پوچیسم میکشاند . اما در مدت تقریباً چهار ماه ، از نوامبر ۱۹۲۸ تا فوریه ۱۹۲۹ ، (قبل از وقوع جنگ بین چانکایشک و دارودسته گوان سی (۴)) موقعیکه دشمن با سومین "لشگرکشی سرکوبی مشترک" (۵) به کوهستان جین گان نزدیک میشد ، بعضی از رفقا این سؤال را مطرح کردند که "ما تاچه مدتی میتوانیم پرچم سرخ را برافراشته نگهداریم ؟" ولی در حقیقت در آنموقع مبارزه بین انگلستان ، آمریکا و ژاپن در چین شکل خیلی آشکاری بخود گرفته بود و محیطی برای در گرفتن جنگهای در هم و برهم بین چانکایشک ، دارودسته گوان سی و فون یوسیان نیز بوجود آمده بود . در واقع این زمان درست مقارن با آغاز فروکش ضد انقلاب و اوج گیری مجدد انقلاب بود . با اینوصف در آنموقع روحیه بدینی تنها به ارتش سرخ و سازمانهای حزبی محلی محدود نمیشد ، بلکه کمیته مرکزی هم با مشاهده جوانب ظاهری امر گمراه شده بود و لحن بدینانه ای پیدا کرده بود . نامه فوریه کمیته مرکزی (۶) برهان قاطعی

است که بر تحلیل بدبینانه حزب در آنموقع دلالت میکند .

۴ - وضع عینی کنونی طوری است که هنوز میتواند آن رفقائی را که فقط ظاهر خارجی موجود را می بینند و به ماهیت اشیاء و پدیده ها وارد نمیشوند ، باسانی گمراه کند . بخصوص آن رفقائی که در ارتش سرخ کار میکنند ، هنگامیکه در نبردی شکست میخورند ، یا محاصره میشوند و یا مورد تعقیب قوای نیرومند دشمن قرار میگیرند ، معمولاً بدون اینکه خودشان متوجه شوند، وضع موقتی ، ویژه و محدود خود را تعمیم میدهند و در ارزیابی آن غلو میکنند، گوئی که وضع چین و جهان جای خوش بینی ندارد و دورنمای پیروزی انقلاب دور و مبهم است . علت اینکه آنها در ارزیابی پدیده ها به صورت ظاهر میچسبند و به بطن پدیده نظر نمیافکنند ، آنستکه این رفقا ماهیت اوضاع عمومی را بطور علمی تجزیه و تحلیل نکرده اند . برای قضاوت درباره اینکه آیا در چین اوج گیری انقلاب بزودی فرا خواهد رسید ، فقط يك راه موجود است : باید با بررسی دقیق تعیین نمود که آیا تضادهائی که به اوج گیری انقلاب منجر میشوند ، حقیقتاً رشد یافته اند یا نه . از آنجا که در مقیاس جهانی تضادهای بین کشورهای مختلف امپریالیستی ، تضادهای بین کشورهای امپریالیستی از یکسو و مستعمرات از سوی دیگر و تضادهای بین امپریالیستها و پرولتاریای کشورهایشان رشد یافته اند ، امپریالیستها ضرورت رقابت بر سر چین را بیشتر حس میکنند . همینکه رقابت امپریالیستها بر سر چین شدت یافت ، در خود خاك چین تضادهای بین امپریالیسم و تمام ملت چین و تضادهای بین خود امپریالیستها همزمان رشد مییابند و در نتیجه سبب وقوع جنگهای در هم و برهم بین گروه های مختلف ارتجاعی حاکم چین میشوند که روز بروز توسعه مییابند و حادث تر میشوند و بنوبه خود حدت هرچه بیشتر تضادهای آنها را باعث میگردند . تضادهای بین گروه های مختلف ارتجاعی حاکم چین که در

جنگهای در هم و بر هم بین دیکتاتورهای نظامی تظاهر میکنند ، سبب افزایش مالیات میشوند که این خود باز موجب تشدید روزافزون تضادهای بین توده‌های وسیع مالیات دهنده و هیئت حاکمه مرتجع میگردد . تضادهای بین امپریالیسم و صنایع ملی چین باعث میشوند که صنایع ملی چین نتوانند از امپریالیسم امتیازی بگیرند و این خود به تضادهای بین بورژوازی و طبقه کارگر چین شدت میبخشد ؛ از یکطرف سرمایه‌داران چین تلاش دارند از طریق استثمار بیرحمانه کارگران برای خود راه حلی بیابند ، و از طرف دیگر کارگران چین با آن مقابله میکنند . تجاوز بازرگانی امپریالیستی ، استثمار و غارتگری سرمایه تجارتي چین و افزایش مالیات دولتی و غیره باعث تعمیق بیشتر تضادهای بین طبقه مالکان ارضی و دهقانان میگردد ، بدین معنی که استثمار از طریق بهره مالکانه و رباخواری شدیدتر و کینه و دشمنی دهقانان نسبت به مالکان ارضی بیشتر میشود . فشار کالاهای خارجی ، اتمام قوه خرید توده‌های وسیع کارگران و دهقانان و افزایش مالیات دولتی روز بروز تجار کالاهای ساخت چین و تولیدکنندگان مستقل را به راه ورشکستگی می‌کشاند . بعلت اینکه دولت ارتجاعی با وجود کمبود خواربار و پول ، نیروهای مسلحش را بی‌حساب توسعه میبخشد و بدین ترتیب جنگ را روز بروز بیشتر گسترش میدهد ، توده‌های وسیع سربازان دائماً در بدبختی و محرومیت بسر میبرند . ترقی مالیات دولتی ، افزایش بهره مالکانه و نرخ ربح بوسیله مالکان ارضی ، تشدید دائمی مصائب جنگ همه و همه باعث بروز قحطی و راهزنی در سراسر کشور شده و بالنتیجه توده‌های وسیع دهقانان و تهی‌دستان شهری مشکل میتوانند زنده بمانند . بعلت کمبود بودجه مدارس ، بسیاری از دانشجویان را خطر ترك تحصیل تهدید میکند ؛ بعلت عقب‌ماندگی تولید ، بسیاری از فارغ‌التحصیلان از

پیدا کردن کار ناامیدند . حال اگر ما همه این تضادها را بخوبی درک کنیم ، مشاهده خواهیم کرد که چین در چه وضع اضطراب آور و پرهرج و مرجی قرار گرفته است ؛ و همچنین مشاهده خواهیم کرد که اوج گیری انقلاب علیه امپریالیستها ، دیکتاتورهای نظامی و مالکان ارضی اجتناب ناپذیر است و بزودی فرا خواهد رسید . سراسر چین انباشته از هیزم خشک است که عنقریب شعله ور خواهد شد . این ضرب المثل " از يك جرعه حریق برمیخیزد " توصیف دقیقی از چگونگی رشد وضع کنونی است . کافی است که اعتصابات کارگران ، قیامهای دهقانان ، شورش سربازان و اعتصابات دانشجویان را که در بسیاری از جاها توسعه مییابند ، در نظر آوریم تا درک کنیم که از "جرعه" تا "حریق" راه دور و درازی بدون شک و تردید وجود نخواهد داشت .

چکیده مطالب بالا در نامه ۵ آوریل سال گذشته کمیته جبهه به کمیته مرکزی آمده است . در این نامه چنین میخوانیم :

"کمیته مرکزی در نامه خود (۹ فوریه ۱۹۲۹) ارزیابی بسیار بدبینانه‌ای از وضعیت عینی و نیروهای ذهنی ما کرده است . سومین عملیات 'سرکوب' گومیندان که علیه کوهستان جین گان بر پا شد ، نشانه نقطه اوج ضد انقلاب بود . ولی این اوج گیری ضد انقلاب در همینجا متوقف شد و از آنموقع بعد بتدریج فروکش کرد ، در حالیکه انقلاب بتدریج اوج گرفت . اگرچه نیروی رزمنده و قدرت تشکیلاتی حزب بهمان اندازه‌ای که کمیته مرکزی نظر داده ، کم شده‌اند ، مع الوصف در شرایط فروکش تدریجی ضد انقلاب ، سرعت مجدداً جان خواهند گرفت و پاسیویته موجود در بین کادرهای حزبی بزودی از میان خواهد رفت . توده‌ها بیشک به صفوف ما خواهند پیوست . سیاست

قتل عام (۷) بقول اين ضرب المثل جز "رم دادن ماهيان باعماق دريا" نتيجه ديگري پيار نخواهد آورد و رفرميسم ديگر مورد استقبال توده ها قرار نخواهد گرفت. و يقين توده ها تصورات واهي نسبت به گوميندان را بزودي از سر بدر خواهند كرد. در شرايطي كه بوجود خواهد آمد، هيچ حزبي در مبارزه براي جلب توده ها قادر به رقابت با حزب كمونيست نخواهد بود. مشي سياسي و تشكيلاتي مصوب كنگره ششم حزب (۸) درست است: در مرحله فعلي انقلاب ما دموكراتيك است، نه سوسياليستي، و وظيفه كنوني حزب (بايد اضافه كرد 'در شهرهاي بزرگ') جلب توده ها است، نه فوراً برپا كردن قيامها. معذلك انقلاب خيلي سريع رشد خواهد كرد و ما در كار تبليغاتي درباره قيام مسلحانه و تدارك اين قيام بايد فعال باشيم. در وضع پر آشوب فعلي ما فقط وقتي ميتوانيم توده ها را رهبري كنيم كه شعارهاي رزمنده مطرح سازيم و روش فعال اتخاذ نماييم. فقط با اتخاذ چنين روشي است كه حزب ميتواند نيروي رزمنده خويش را دوباره زنده كند. . . . يگانه كليد پيروزي انقلاب رهبري پرولتارياست. در حال حاضر ايجاد پايه پرولتاريائي براي حزب و تشكيل حوزه هاي حزبي در مؤسسات صنعتي نواحی مرکزی از وظايف مهم تشكيلاتي حزب بشمار ميروند؛ ولي در عين حال براي كمك به مبارزه در شهرها و تسريع اوج گيري انقلاب، تكامل مبارزه در ده، استقرار قدرت سياسي سرخ در مناطق كوچك و تشكيل و توسعه ارتش سرخ بويژه شروط عمده را تشكيل ميدهند. با اينجهت صرفنظر كردن از مبارزه در شهرها خطاست؛ اما ترسيدن از توسعه نيروي دهقانان و تصور اينكه اگر نيروي دهقانان از نيروي كارگران تجاوز كند، انقلاب زيان مي بيند، چنانچه

در میان اعضای حزب چنین نظراتی پیدا شود ، بعقیده ما نیز خطاست . زیرا در انقلاب چین نیمه مستعمره ، مبارزه دهقانان اگر تحت رهبری طبقه کارگر نباشد ، قطعاً با شکست مواجه خواهد شد ، و چنانچه مبارزه دهقانان از قدرت کارگران سبقت بجوید ، هرگز ضرری متوجه انقلاب نخواهد شد . “

این نامه در پیرامون مسئله تاکتیک عملیاتی ارتش سرخ چنین جواب

میدهد :

” کمیته مرکزی برای حفظ ارتش سرخ و بسیج توده‌ها از ما میخواهد که نیروهای خود را به واحدهای بسیار کوچک تقسیم کنیم و آنها را در دهات پخش نمائیم و جوده و مائو تسه دون را از ارتش جدا کنیم تا بدشمن هدفهای بزرگی نشان داده نشود ؛ این نظر واقع بینانه نیست . در زمستان سال ۱۹۲۷ ما در صدد بر آمدیم نیروهایمانرا در دهات طوری پخش کنیم که هر گروهان یا هر گردان بطور مستقل عمل کند و برای بسیج توده‌ها تاکتیکهای پارتیزانی بکار برد و سعی و کوشش شود تا بدشمن هدفهایی نشان داده نشود . ما بارها این شیوه را بمرحله عمل در آوردیم ، ولی هر بار با شکست روبرو شدیم . زیرا که : ۱ - اکثریت سربازان ارتش سرخ منظم اهل محل نیستند و از این نظر با دستجات گارد سرخ محلی تفاوت دارند ؛ ۲ - تقسیم نیروها به واحدهای کوچک به تضعیف رهبری و ناتوانی در برخورد با شرایط سخت منجر میشود و کار را بسهولت به شکست میکشاند ؛ ۳ - دشمن باسانی میتواند واحدهای ما را یکایک منکوب کند ؛ ۴ - هر قدر شرایط سخت تر باشد ، همانقدر لازم تر میآید که نیروهای ما متمرکز شوند و رهبران ما با قاطعیت بیشتر وارد مبارزه گردند ، زیرا

فقط از این طریق است که ما میتوانیم وحدت داخلی را تأمین کنیم و با دشمن مقابله نمائیم . تقسیم نیروهای خود برای عملیات پارتیزانی فقط در شرایط مساعد امکان پذیر است ، و فقط در چنین صورتی است که رهبران دیگر مثل مواقع سخت لازم نیست همیشه با واحدهای خود باشند .“

ضعف مطالب فوق در اینستکه همه دلایلی که برای عدم امکان تقسیم نیروها ارائه شده اند ، جنبه های منفی مسئله را نشان داده اند ، و این بهیچوجه کافی نیست . دلیل مثبت برای تمرکز نیروها اینستکه نبود ساختن واحدهای نسبتاً بزرگ دشمن و تصرف شهرها فقط در صورت تمرکز نیروها امکان پذیر است . تنها پس از آنکه واحدهای نسبتاً بزرگ دشمن نابود و شهرها فتح گردیدند ، میتوان توده های مردم را بمقیاس وسیعی برانگیخت و قدرت سیاسی را در منطقه ای که شامل چند شهرستان میشود ، مستقر ساخت . تنها از این طریق است که میتوان توجه توده های دور و نزدیک را جلب کرد (و این ”توسعه نفوذ سیاسی“ نامیده میشود) و سهم مؤثری در تسریع اوج گیری انقلاب ادا نمود . یکی از نتایج اصل تمرکز نیروها بعنوان مثال حکومتی است که ما دو سال پیش در منطقه مرزی حونان - جیان سی و سال گذشته در غرب فوجیان (۹) تشکیل دادیم . این يك اصل عمومی است . ولی آیا مواردی هم وجود دارند که نیروهای ما باید تقسیم شوند؟ بله ، چنین مواردی وجود دارند . در نامه کمیته جبهه به کمیته مرکزی که در آن از تاکتیکهای جنگ پارتیزانی ارتش سرخ صحبت میشود ، به تقسیم نیروها در يك شعاع کوتاه اشاره شده است :

”تاکتیکهایی که ما در جریان مبارزات سه سال اخیر بدست آورده ایم ، واقعاً با تاکتیکهایی که در گذشته یا امروز ، در چین و یا

در کشورهای دیگر بدست آمده است، فرق میکنند. با بکار بردن این تاکتیکها، توده‌ها را میتوان پیوسته بمقیاس وسیعتری به مبارزه برانگیخت و هیچ دشمنی، هر قدر هم که نیرومند باشد، نمیتواند حریف ما شود. تاکتیکهای ما تاکتیکهای پارتیزانی هستند و بطور کلی مشتمل بر نکات زیرند:

'تقسیم نیروها بمنظور بسیج توده‌ها و تمرکز قوا برای مقابله با دشمن.'

'دشمن پیشروی میکند، ما عقب مینشینیم؛ دشمن مستقر میشود، ما او را بستوه در می‌آوریم؛ دشمن فرسوده میشود، ما حمله میکنیم؛ دشمن عقب مینشیند، ما او را تعقیب میکنیم.'

'برای توسعه مناطق تثبیت شده حکومت مستقل (۱۰)، باید تاکتیک پیشروی موج آسا را بکار برد؛ و وقتی دشمن نیرومند ما را تعقیب میکند، باید تاکتیک حرکت چرخشی را اجرا نمود.'

'باید توده‌ها را به وسیعترین مقیاس با صرف کمترین وقت و با بکار بردن بهترین شیوه‌ها برانگیخت.'

این تاکتیکها مانند کار با یک تور ماهیگیری است که میتوان آنرا در هر لحظه باز و در هر لحظه جمع نمود. باز کردن تور برای جلب توده‌ها و جمع کردن آن برای مقابله با دشمن است. طی سه سال اخیر ما همواره چنین تاکتیکی را بکار برده‌ایم.

در اینجا منظور از "باز کردن" تقسیم نیروها در شعاع کوتاه است. مثلاً وقتی که ما برای اولین بار شهرستان یون سین را در منطقه مرزی خونان - جیان سی تسخیر کردیم، نیروهای هنگهای ۲۹ و ۳۱ را در منطقه یون سین تقسیم نمودیم. و باز، وقتی که ما یون سین را برای سومین بار تسخیر کردیم،

نیروهای خود را با اعزام هنگ ۲۸ به مرز ان فو و هنگ ۲۹ به لیان هوا و هنگ ۳۱ به مرز جی ان تقسیم نمودیم . اینک مثال دیگر ما از آوریل تا مه سال گذشته نیروهای خود را در شهرستانهای جنوب جیان سی و در ژوئیه در شهرستانهای غرب فوجیان تقسیم کردیم . در مورد تقسیم نیروها در شعاع بلند میتوان گفت که این امر فقط در صورت وجود این دو شرط ، یعنی وضعیت نسبتاً مساعد و ارگانهای رهبری نسبتاً مستحکم ، امکان پذیراست . زیرا هدف تقسیم نیروها آنستکه بیشتر بتوان توده‌ها را جلب کرد ، انقلاب ارضی را عمیقاً انجام داد ، قدرت سیاسی را مستقر ساخت و ارتش سرخ و نیروهای مسلح محلی را توسعه داد . اگر ما نتوانیم باین هدفها برسیم و یا اگر تقسیم نیروها شکست و تضعیف ارتش سرخ را بدنبال داشته باشد — همانطور که در اوت ۱۹۲۸ نیروهای ما در منطقه مرزی حونان - جیان سی برای حمله به چن جو تقسیم شدند — بهتر است که اصلاً تقسیم نشوند . ولی بدون شك اگر ما واجد دو شرط فوق‌الذکر باشیم ، نیروهای خود را باید تقسیم کنیم ، زیرا در آنصورت تقسیم بیشتر از تمرکز بنفع ما تمام خواهد شد .

روح نامه فوریه کمیته مرکزی صحیح نبود و در عده‌ای از رفقای حزبی سپاه چهارم تأثیر منفی گذاشت . در آنزمان کمیته مرکزی بخشنامه‌ای صادر کرد که در آن تصریح شده : بین چانکایشک و دارودسته گوان سی احتمالاً جنگ در نخواهد گرفت . معذک از آنموقع بپعد ارزیابی‌ها و دستورات کمیته مرکزی بطور کلی صحیح بوده‌اند . کمیته مرکزی برای تصحیح بخشنامه سابق خود که مبتنی بر ارزیابی غلط بود ، بخشنامه دیگری صادر کرد . اگر چه کمیته مرکزی هنوز نامه خطاب به ارتش سرخ را تصحیح ننموده ، ولی در دستوراتی که متعاقب آن صادر کرده ، دیگر لحن بدبینانه سابق بچشم نمیخورد و نظراتش نسبت بمسئله عملیات ارتش سرخ با نظرات

ما منطبق است . با اینوصف تأثیر منفی ای که این نامه روی بعضی از رفقا گذاشته ، هنوز از بین نرفته است . بدینجهت من فکر میکنم که حتی هنوز هم لازم باشد در این باره توضیح داده شود .

نقشه تسخیر جیان سی در عرض یکسال نیز از طرف کمیته جبهه در آوریل سال گذشته به کمیته مرکزی پیشنهاد شد و سپس در یو دو تصمیمی در این باره اتخاذ گردید . دلایلی که در آنموقع ارائه شدند ، در نامه زیر به کمیته مرکزی توضیح داده شد :

”قشونهای چانکایشک و دیکتاتورهای نظامی گوان سی در حوالی شهر جیو جیان بیکدیگر نزدیک میشوند و هر لحظه ممکن است جنگ بزرگی در گیرد . در اثر آغاز مجدد مبارزه توده‌ای و تشدید تضادهای درونی اردوگاه ارتجاعی حاکم ، ممکن است اوج گیری انقلاب بزودی فرارسد . ما در این شرایط در مورد تنظیم کار خود فکر میکنیم که از میان استانهای جنوبی ، نیروهای مسلح کمپرادورها و مالکان ارضی در گوان دون و خونان خیلی قوی هستند و در استان خونان بعلت اشتباه پوچیستی حزب ، پایه توده‌ای چه در درون و چه در برون حزب تقریباً کاملاً از دست رفته است . معدک در سه استان فو جیان ، جیان سی و جه جیان وضع طور دیگر است . اولاً در اینجا نیروهای نظامی دشمن از همه جا ضعیف‌ترند ؛ در جه جیان فقط واحدهای قلیل‌العدده استانی تحت فرماندهی جیان بوه چن (۱۱) وجود دارند ؛ در فو جیان گرچه دشمن مجموعاً چهارده هنگ در اختیار دارد که تحت پنج فرماندهی میباشند ، تیپسی که بفرماندهی گوه فون مین است ، دیگر منکوب شده است ؛ واحدهای چن گوه هوی و لوسین بان (۱۲) را راهزنانی تشکیل میدهند که دارای

قدرت جنگی ناچیزی میباشند ؛ دو تیپ از تفنگداران دریائی که در سواحل مستقرند ، تاکنون در جنگ شرکت نداشته‌اند و قدرت جنگی آنها بی شك زیاد نیست ؛ فقط جان جن (۱۳) تا حدودی دارای قدرت جنگی است که او هم برحسب ارزیابی کمیته ایالتی فوجیان ، بیش از دو هنگ نسبتاً نیرومند ندارد . بعلاوه در فوجیان هرج و مرج شدیدی حکمفرماست و هیچ اثری از وحدت دیده نمیشود . در جیان سی ۱۶ هنگ بفرماندهی جو په ده (۱۴) و سیون شی هوی (۱۵) مستقرند که از نیروهای فوجیان و جه جیان قوی‌تر ولی از نیروهای خونان بمراتب ضعیفترند . ثانیاً در این سه استان اشتباه پوچستی کمتر دیده شده است . بغیر از جه جیان که وضعیتش برای ما چندان روشن نیست ، در استانهای جیان سی و فوجیان پایه تشکیلاتی حزب و پایه توده‌ای از استان خونان قدری بهتر است . بعنوان مثال جیان سی را در نظر بگیریم : در شمال این استان ، در ده ان ، سیوشوی و تون گو ، ما هنوز دارای پایه نسبتاً محکمی هستیم ؛ در غرب این استان — در نین گان ، یون سین ، لیان هوا و سوی جوان — حزب و گارد سرخ هنوز نیرو دارند ؛ در جنوب جیان سی اوضاع امیدبخش‌تر است ، زیرا واحدهای هنگ ۲ و ۴ ارتش سرخ در شهرستانهای جی ان ، یون فن و سین گوه روزبروز بیشتر رشد مییابند ؛ واحدهای ارتش سرخ بفرماندهی فان جی مین نابود نشده‌اند . اینها همه شرایطی را بوجود می‌آورند که نان چان در محاصره ما بیافتد . بدینجهت ما به کمیته مرکزی پیشنهاد میکنیم که در دوران جنگ مداوم بین دیکتاتورهای نظامی گومیندان ، بر سر استان جیان سی و همچنین بر سر غرب فوجیان و غرب جه جیان با چانکایشک و دارودسته گوان سی رقابت کنیم . در این سه

استان ما باید بر تعداد افراد ارتش سرخ بیافزائیم و در آنجا حکومت مستقل توده‌ای بوجود آوریم . مدتی که برای تحقق این نقشه لازم است ، یکسال خواهد بود .“

نادرستی پیشنهاد تصرف جیان سی فقط در تعیین ضرب‌الاجل يك ساله بود . آنچه درباره امکان تصرف جیان سی میتوان گفت اینستکه چنین امکانی فقط بر اساس شرایط خود استان جیان سی مبنی نبود ، بلکه این شرایط نیز در نظر گرفته شده بود که اوج‌گیری انقلاب در سراسر کشور بزودی فرا خواهد رسید . زیرا بدون اعتقاد باینکه اوج‌گیری انقلاب بزودی آغاز خواهد شد ، ما نمیتوانستیم باین نتیجه برسیم که تصرف جیان سی در عرض یکسال امکان پذیر است . یگانه نقص این پیشنهاد در تعیین ضرب‌الاجل یکساله بود ، و از اینرو لغت ”بزودی“ در جمله ” اوج‌گیری انقلاب بزودی فرا خواهد رسید“ آهنگ بی‌صبرانه‌ای بخشیده است . ولی شرایط ذهنی و عینی در جیان سی قابل توجه اند . علاوه بر شرایط ذهنی‌ایکه در نامه خطاب به کمیته مرکزی ذکر شده است ، در مورد شرایط عینی سه نکته زیر را میتوان بروشنی خاطر نشان ساخت : ۱ - اقتصاد جیان سی بطور عمده فئودالی است ، نفوذ بورژوازی تجاری نسبتاً ضعیف است و نیروهای مسلح مالکان ارضی از هر استان دیگر در جنوب چین ضعیفترند . ۲ - استان جیان سی دارای سپاه مخصوص بخود نیست و همواره بوسیله سپاهیان استانهای دیگر حفاظت شده است . این سپاهیان که برای ”سرکوب کمونیستها“ و ”سرکوب راهزنان“ به اینجا اعزام شده‌اند ، با وضع محل آشنائی ندارند و به این عملیات آنطور که شاید و باید مثل سپاهیان محلی زیاد علاقمند نیستند و اغلب از خود بی‌میلی نشان میدهند . ۳ - بر خلاف گوان دون که نزدیک هنگ‌کنگ است و تقریباً در هر زمینه تحت کنترل انگلیس‌ها قرار دارد ،

جیان سی از نفوذ امپریالیسم نسبتاً بدور است . هنگامیکه ما این سه نکته را در یاییم ، پی خواهیم برد که چرا قیامهای دهقانی و تعداد واحدهای ارتش سرخ و پارتیزانی در استان جیان سی از هر استان دیگر زیادترند . برای بسیاری از رفقا این مسئله مطرح است که لغت "بزودی" در جمله "اوج گیری انقلاب بزودی فرا خواهد رسید" چگونه باید فهمیده شود . مارکسیستها غیب گو نیستند . آنها باید و میتوانند فقط جهت کلی پیشرفتها و تغییرات آتی را نشان دهند ؛ اما آنها نباید و نمیتوانند بطور مکانیکی ساعت و روز را تعیین کنند . وقتیکه من میگویم اوج گیری انقلاب چین بزودی فرا خواهد رسید ، بهیچوجه مقصودم آن چیزی نیست که بگفته بعضیها "احتمالاً فرا رسد" ، بمثابه چیزی تخیلی ، غیر قابل حصول و فاقد هر گونه اهمیت عملی نیست . اوج گیری انقلاب همانند کشتی ایستکه نوک دکلش از ساحل دریا در افق دور بچشم میخورد ، بسان آفتاب صبحگاهی است که اشعه درخشانش میاهیههای شرق را میشکافد و از قله کوه بلند دیده میشود ، همچون کودکیست که در رحم مادر بی تابی میکند و بزودی پا به عرصه جهان میگذارد .

یادداشتها

۱ - رفیق فان جی مین در شهرستان ای یان از استان جیان سی متولد شد . او عضو ششمین کمیته مرکزی حزب کمونیست چین و ایجادکننده منطقه سرخ در شمال شرقی جیان سی و پایه گذار سپاه دهم ارتش سرخ بود . وی در سال ۱۹۳۴ در رأس دسته های پیشرو ضد ژاپنی ارتش سرخ به شمال چین عزیمت کرد و در ژانویه ۱۹۳۵ در حین جنگ علیه قشون ضد انقلابی گومیندان بازداشت شد و در ژوئیه همان سال در نان چان قهرمانانه بشهادت رسید .

- ۲ - منظور رفیق مائو تسه دون از "نیروهای ذهنی انقلاب" در اینجا همان قوای متشکل انقلاب است .
- ۳ - لو دی پین دیکتاتور نظامی گومیندان در سال ۱۹۲۸ استاندار گومیندان در خونان بود .
- ۴ - منظور جنگی است که بین چانکایشک ، دیکتاتور نظامی در نانکن از يك طرف ولی زون ژن وبای چون سی ، دیکتاتورهای نظامی گومیندان در گوان سی از طرف دیگر از ماه مارس تا آوریل ۱۹۲۹ درگیر بود .
- ۵ - منظور سومین حمله دیکتاتورهای نظامی گومیندان در استانهای خونان و جیان سی به کوهستان جین گان - پایگاه ارتش سرخ - از اواخر ۱۹۲۸ تا اوایل ۱۹۲۹ است .
- ۶ - اشاره است به نامه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین مورخ ۹ فوریه ۱۹۲۹ به کمیته جبهه . نامه کمیته جبهه مورخ ۵ آوریل ۱۹۲۹ به کمیته مرکزی که در متن حاضر اقتباس شده است ، در خطوط کلی محتوی نامه کمیته مرکزی را نقل کرده است . نامه مذکور بطور عمده شامل ارزیابی وضعیت آنزمان و تاکتیک عملیات ارتش سرخ بود . چون نظرات کمیته مرکزی در این نامه نادرست بود ، کمیته جبهه در نامه خود به کمیته مرکزی نظر دیگری را بیان نمود .
- ۷ - منظور قتل عام خونین نیروهای انقلابی خلق بوسیله نیروهای ضد انقلاب میباشد .
- ۸ - منظور ششمین کنگره حزب کمونیست چین در ژوئیه ۱۹۲۸ است . کنگره اشاره کرد که انقلاب چین بعد از شکست سال ۱۹۲۷ از نظر ماهیت همچنان انقلابی بورژوا - دموکراتیک ضد امپریالیستی - ضد فئودالی میماند و اوج گیری جدید انقلاب ناگزیر فرا خواهد رسید . اما از آنجا که این اوج گیری هنوز نرسیده بود ، مشی اصلی حزب در آنزمان مبارزه برای جلب توده ها بود . این کنگره تسلیم طلبی راست چن دو سیو در سال ۱۹۲۷ را تسویه حساب کرده و نیز از پوچسیم "چپ" که در اواخر ۱۹۲۷ و اوایل ۱۹۲۸ بعد از شکست انقلاب ۱۹۲۷ در حزب پیدا شده بود ، انتقاد کرد .
- ۹ - در سال ۱۹۲۹ ارتش سرخ از کوهستان جین گان به استان فوجیان لشگرکشی کرد و در آنجا يك پایگاه انقلابی جدید ایجاد نمود و در شهرستانهای لون یین ، یون دین و شان هان واقع در غرب فوجیان قدرت سیاسی انقلابی خلق را برقرار ساخت .
- ۱۰ - منظور از "مناطق تثبیت شده حکومت مستقل" مناطقی است که از طرف

ارتش سرخ کارگری - دهقانی بوجود آمده و دارای پایگاههای نسبتاً مستحکم انقلابی میباشند .

۱۱ - جیان بوه چن در آنزمان فرمانده واحدهای امنیت عمومی گومیندان در استان جه جیان بود .

۱۲ - چن گوه هوی و لو سین بان در استان فوجیان راهزنان معروفی بودند ؛ دسته‌های آنها از طرف گومیندان به دستجات نظامی گومیندان تجدید سازمان یافتند .

۱۳ - جان جن فرمانده لشگری از ارتش گومیندان بود .

۱۴ - جوپه ده ، دیکتاتور نظامی گومیندان ، در آنزمان حاکم استان جیان

سی بود .

۱۵ - سیون شی هوی آنزمان فرمانده یکی از لشگرهای ارتش گومیندان در

استان جیان سی بود .

www.KetabFarsi.com

باید به کار اقتصادی توجه کنیم

(۲۰ اوت ۱۹۳۳)

رشد توفان آسای جنگ انقلابی از ما میطلبد که توده‌ها را بسیج کنیم تا در جبهه اقتصادی فوراً جنبشی برپا کنند و در زمینه ساختمان اقتصادی به وظایفی که انجام آنها هم ضرور و هم ممکن است، پردازند. برای چه؟ برای آنکه کلیه کارهای ما باید اکنون در این جهت سوق داده شود: در جهت کسب پیروزی در جنگ انقلابی و قبل از هر چیز در جهت کسب پیروزی قطعی در مبارزه بخاطر در هم شکستن پنجمین عملیات "محاصره و سرکوب" (۱) دشمن؛ در جهت ایجاد شرایط مادی برای تأمین خواربار و تجهیزات ارتش سرخ؛ در جهت بهبود شرایط زندگی توده‌های مردم تا آنکه توده‌های مردم با شور و شوق باز هم بیشتری در جنگ انقلابی شرکت جویند؛ در جهت تشکل و تربیت توده‌های وسیع مردم در جبهه اقتصادی تا آنکه جنگ بتواند از میان توده‌ها نیروهای جدیدی بگیرد؛ و بالاخره در جهت تحکیم اتحاد کارگران - دهقانان و دیکتاتوری دموکراتیک کارگری - دهقانی و تقویت رهبری پرولتاریا از طریق کار ساختمان اقتصادی. برای

اثر حاضر متن نطقی است که رفیق مائوتسه دون در کنفرانس کار ساختمان اقتصادی ۱۷ شهرستان جنوب جیان سی در اوت سال ۱۹۳۳ ایراد کرده است.

نیل به کلیه این هدفها کار ساختمانی در زمینه اقتصادی ضرور است . هر کسیکه بکار انقلابی اشتغال دارد ، باید این مطلب را بروشنی دریابد . بعضی از رفقا در گذشته معتقد بودند که جنگ انقلابی آنها را سخت مشغول کرده است و معلوم نیست که از کجا باید برای کار ساختمان اقتصادی وقت بیاورند ؛ و از اینرو بود که تمام کسانی را که از ساختمان اقتصادی سخن میراندند ، "منحرفین براست" میخواندند . بنظر آنها ساختمان اقتصادی در جریان جنگ انقلابی ممکن نیست و فقط پس از پیروزی نهائی هنگامیکه صلح و آرامش برقرار گردد ، امکان پذیر است . رفقا ، این نظرات نادرست‌اند . کسانی که چنین نظراتی دارند ، در نمی‌یابند که چنانچه بکار ساختمان اقتصادی نپردازیم ، نمیتوانیم شرایط مادی ادامه جنگ انقلابی را تأمین کنیم ، و خلق نیز در جریان جنگ طولانی خسته خواهد شد . ببینید ، دشمن به محاصره اقتصادی میپردازد ، محتکرین و مرتجعین در امور مالی و تجارتي ما خرابکاری میکنند و مبادلات مناطق سرخ ما با خارج بموانع جدی بر میخورد . آیا این مشکلات چنانچه ما نتوانیم بر آنها غلبه کنیم ، به جنگ انقلابی شدیداً لطمه وارد نخواهند ساخت ؟ نمک بسیار گران و گاهی حتی نایاب است . برنج پوست نکنده در پائیز و زمستان ارزان است ولی در بهار و تابستان بطور وحشتناک گران میشود . اینها همه بلافاصله در زندگی کارگران و دهقانان تأثیر میگذارند و امکان بهبود شرایط زندگی آنها را از بین میبرند . آیا این به اتحاد کارگران و دهقانان که مشی اساسی ماست ، زیان نمیرساند ؟ چنانچه توده‌های کارگر و دهقان از شرایط زندگی خود ناراضی شوند ، آیا بامر افزایش نفرت ارتش سرخ و بکار بسیج توده‌ها برای شرکت در جنگ انقلابی لطمه وارد نخواهد آمد ؟ پس این نظر که در جریان جنگ انقلابی نباید بکار ساختمان اقتصادی پرداخت ، مطلقاً نادرست است .

کسانی که پیروی این نظرند ، غالباً اظهار میدارند که همه چیز باید تابع جنگ باشد ؛ ولی آنها در نمی یابند که صرفنظر کردن از کار ساختمان اقتصادی بمعنی همه چیز را تابع جنگ کردن نیست بلکه بمعنی تضعیف کوششهای نظامی ماست . فقط با توسعه کار در جبهه اقتصادی و بسط و توسعه اقتصاد در مناطق سرخ است که ما موفق خواهیم شد برای جنگ انقلابی پایه های مادی مناسب ایجاد کنیم ، عملیات نظامی تعرضی خود را با موفقیت وسعت بخشیم و بدشمن که علیه ما به عملیات "محاصره و سرکوب" پرداخته ، ضربات شدید وارد آوریم ؛ فقط در چنین صورتی است که ما موفق خواهیم شد برای توسعه ارتش سرخ نیروی لازم را بدست آوریم و حدود جبهه خود را تا هزاران لی به پیش رانیم بطوریکه ارتش سرخ ، آنگاه که شرایط مساعد گردد ، بتواند بدون دغدغه به نان چان و جیو جیان حمله کند و بدون اینکه در تهیه خواربار دچار زحمت زیاد شود ، تمام توجه خود را به مبارزه علیه دشمن معطوف دارد ؛ فقط بدین طریق است که ما موفق خواهیم شد تا حدودی احتیاجات مادی توده های وسیع مردم را برآوریم تا آنها با شور و شوق بیشتری به ارتش سرخ پیوندند و وظایف انقلابی دیگر را انجام دهند . همه چیز را تابع جنگ کردن درست بهمین معنی است . در میان آنهائیکه در نقاط مختلف بکار انقلابی مشغول اند ، عده زیادی هنوز با اهمیت کار ساختمان اقتصادی در جنگ انقلابی پی نبرده اند و بسیاری از ارگانهای محلی قدرت هنوز مسئله کار ساختمان اقتصادی را بطور جدی مورد بررسی قرار نداده اند . ادارات اقتصادی ارگانهای محلی قدرت هنوز بدرستی سازمان نیافته اند ، بعضی از آنها حتی فاقد رئیس میباشند و یا اینکه برای پر کردن جاهای خالی ، کسانی را بکار میگذارند که صلاحیت زیاد ندارند . کثوپراتیوها هنوز در مرحله ابتدائی رشد خویش اند و کار تنظیم خواربار فقط در چند نقطه

آغاز گردیده است . هنوز در میان توده های وسیع در مورد وظیفه ساختمان اقتصادی بقدر کافی کار تبلیغاتی (که بسیار مهم است) نشده است ؛ هنوز شور و شوق توده ها برای مبارزه در راه ساختمان اقتصادی برانگیخته نشده است . همه اینها ناشی از آنستکه اهمیت ساختمان اقتصادی نادیده گرفته شده است . ما باید از طریق بحثهایی که در کنفرانس حاضر بعمل خواهد آمد و گزارش هایی که شما پس از بازگشت به محلهای خود خواهید داد ، برای کار ساختمان اقتصادی در میان تمام کارمندان دولتی و توده های وسیع کارگران و دهقانان شور و شوق ایجاد کنیم . باید اهمیت کار ساختمان اقتصادی را در جنگ انقلابی برای همگان روشن کنیم تا همه با تمام نیرو در فروش اوراق قرضه ساختمان اقتصادی شرکت جویند ، جنبش کثوپراتیوی را رشد دهند ، در همه جا انبارهای غله ایجاد کنند و برای پیش بینی قحط و غلاء سیلو بسازند . هر شهرستان باید یک دایره خواربار تأسیس نماید که در بخش های مهم و بازارهای عمده دفاتری داشته باشد . ما باید از یکسو در مناطق سرخ ، از نقاطی که در آنجا مازاد غله موجود است به نقاطی که غله نایاب است ، غله برسانیم و نباید بگذاریم که غلات در یک محل روی هم انباشته شوند و در محل دیگر نایاب گردند و یا اینکه قیمت غله در اینجا بسیار ارزان و در جای دیگر بسیار گران شود ؛ از سوی دیگر ما باید برای جلوگیری از هر گونه استثمار توسط محترکین ، اضافه غله مناطق خود را طبق نقشه (نه بمقدار نامحدود) صادر کنیم و کالاهای مورد احتیاج را از مناطق سفید وارد نمائیم . ما باید تولیدات کشاورزی و صنایع دستی را با تمام نیرو رشد دهیم ، آلات و ابزار کشاورزی و آهک بیشتر تولید کنیم تا آنکه محصول سال آینده ما افزایش یابد ؛ ما باید میزان تولید و لفرام ، چوب ، کافور ، کاغذ ، توتون ، پارچه کتانی ، قارچهای خشک ، روغن نعناع و محصولات محلی دیگر را بسطح سابق

برسانیم و تمام این محصولات را بمقادیر زیاد به مناطق سفید صادر کنیم .
از نظر حجم تجارت خارجی ، غلات در صادرات ما مقام اول را
اشغال میکند . ما هر سال تقریباً سه میلیون "دن" برنج پوست نکنده ، یا
بطور متوسط يك "دن" برای هر نفر از سه میلیون نفر اهالی در مقابل
اجناس مصرفی که ضرورت مبرم دارند ، صادر میکنیم ؛ از این کمتر
نمیشود . چه کسی باین تجارت اشتغال دارد ؟ فقط تجاری که خلق را
بیرحمانه استثمار میکنند . سال گذشته دهقانان شهرستانهای وان و تای
هو برنج پوست نکنده را از قرار هر "دن" نیم یوان به تجار میفروختند ؛
همین تجار برنج پوست نکنده مذکور را در گان جو به بهای هر "دن"
چهار یوان میفروختند ، یعنی با سودی برابر هفتصد درصد . يك مثال دیگر :
اهالی سه میلیونی ما هر سال تقریباً به ارزش ۹ میلیون یوان نمک و ۶ میلیون
یوان پارچه مصرف میکنند . واضح است که این تجارت نمک و پارچه که
مبلغ کل آن ۱۵ میلیون یوان میشود ، تاکنون کاملاً در دست تاجران بوده
است و ما در این مورد هیچ کاری نکرده ایم . استثمار توسط تجار واقعاً خیلی
شدید است . مثلاً آنها به می سیان میروند و نمک را از قرار هر هفت جین يك
یوان میخرند و سپس آنها در مناطق ما به بهای هر ۱۲ لیان (۲) يك یوان
میفروشند . آیا این يك استثمار وحشتناك نیست ؟ ما دیگر نمیتوانیم چنین
وضعی را تحمل کنیم ، در آینده باید خودمان بتمام این امور پردازیم .
اداره تجارت خارجی ما باید در این زمینه زیاد کار کند .

قرضه ای که بمبلغ سه میلیون یوان برای ساختمان اقتصادی اختصاص
داده ایم ، چگونه باید بمصرف برسد ؟ ما در نظر داریم که آنها بشرح زیر
توزیع کنیم : يك میلیون یوان برای مخارج نظامی ارتش سرخ و دو میلیون
یوان بعنوان سرمایه وامی برای کثوپراتیوها و اداره خواربار و اداره تجارت

خارجی . قسمت اعظم رقم اخیر بمصرف توسعه تجارت با مناطق خارج و بقیه آن بمصرف رشد تولیدات خواهد رسید . هدف ما نه فقط رشد تولیدات بلکه فروش کالاهای خود به قیمت مناسب به مناطق سفید و خرید نمک و پارچه از این مناطق به قیمت نازل برای توزیع در میان اهالی است تا بدین ترتیب محاصره دشمن را درهم بشکنیم و از استثمار تاجران جلوگیری کنیم . ما باید اقتصاد خلق را بطور مداوم رشد دهیم ، شرایط زندگی توده‌ها را تا حدود زیادی بهبود بخشیم ، عواید مالی خود را بمقدار قابل توجهی زیاد کنیم و از این راه پایه مادی محکمی برای جنگ انقلابی و ساختمان اقتصادی ایجاد نمائیم .

این يك وظیفه بزرگ ، يك مبارزه طبقاتی بزرگ است . اما باید از خود پرسیم : آیا ما میتوانیم این وظیفه را در جریان جنگ سخت انجام دهیم ؟ من فکر میکنم که میتوانیم . زیرا که ما از کشیدن راه آهن تالون ین و یا فعلاً از ساختمان جاده تا گان جو صحبت نمیکنیم . ما نمیگوئیم که فروش غلات باید به انحصار کامل دولت درآید و یا اینکه تجارت نمک و پارچه که رقم آن ۱۰ میلیون یوان است ، باید کاملاً در دست دولت متمرکز گردد و تجار نباید در این تجارت دست داشته باشند . خیر ، این منظور ما نیست و چنین کاری هم نمیکنیم . آنچه که مورد نظر ماست و در انجام آن میکوشیم ، آنستکه تولید کشاورزی و صنایع دستی را رشد دهیم ، به مناطق سفید غلات و ولفرام صادر و از این مناطق نمک و پارچه وارد کنیم . ما عجالتاً این کار را با مبلغی معادل دو میلیون یوان با اضافه سهام اجتماعی اهالی محل آغاز میکنیم . آیا در این کار چیزی هست که ما نباید انجام دهیم و یا نتوانیم انجام دهیم و بخوبی آنها پایان برسانیم ؟ ما این کار را شروع کرده‌ایم و کامیابی‌هایی هم بدست آورده‌ایم . محصول پائیزه

امسال ۲ تا ۲۰ درصد از محصول پائیزه سال گذشته تجاوز میکند و این بیشتر از ۲ درصد اضافه محصول پائیزه است که ما پیش بینی کرده بودیم. در زمینه صنایع دستی ما شاهد احیاء تولید وسایل و ابزار کشاورزی و آهک هستیم؛ تولید و لفرام نیز مجدداً آغاز گردیده است. تولید توتون، کاغذ و چوب کمی رونق یافته است. امسال در زمینه تنظیم خواربار موفقیت‌های زیادی بدست آمده است. ما شروع کرده‌ایم نمک از خارج وارد کنیم. این کامیابیها پایه مطمئن فراهم ساخته است که ما بتوانیم در آینده باز هم بیشتر پیش برویم. آیا این ادعا که ساختمان اقتصادی در این لحظه ممکن نیست و فقط پس از خاتمه جنگ امکان پذیر است، خطای بارز نیست؟

از اینجبهت روشن است که ساختمان اقتصادی در مرحله کنونی باید برمحور وظیفه مرکزی ما یعنی ادامه جنگ انقلابی قرار گیرد. امروز وظیفه مرکزی ما جنگ انقلابی است؛ ساختمان اقتصادی در خدمت این وظیفه قرار میگیرد، در حول آن میچرخد و تابع آنست. همچنین خطا خواهد بود اگر کسی ساختمان اقتصادی را مرکز تمام وظایف کنونی خود بشناسد تا درجه‌ایکه از جنگ انقلابی غفلت ورزد و یا ساختمان اقتصادی را مستقل از این جنگ دنبال کند. فقط پس از پایان جنگ داخلی است که میتوان و باید ساختمان اقتصادی را بمثابة وظیفه مرکزی تلقی کرد. خیالبافی محض است اگر کسی بکوشد در جریان جنگ داخلی به آنچنان ساختمان اقتصادی‌ای دست بزند که در زمان صلح میتوان بدان دست زد و یا در آینده و نه در زمان حاضر لازم و امکان پذیر خواهد بود. کارهای کنونی کارهایی هستند که جنگ بطور مبرم آنها را میطلبد. هر يك از این کارها باید در خدمت جنگ باشد، هیچيك از آنها اقدام مسالمت‌آمیزی نیست که جدا از جنگ باشد. چنانچه رفقائی بر این عقیده باشند که میتوان ساختمان اقتصادی را مستقل

از جنگ انجام داد ، باید فوراً خطای خود را اصلاح کنند .

رشد سریع جنبش در جبهه اقتصادی بدون سبک صحیح رهبری و متد درست کار امکان پذیر نیست . این نیز مسئله مهمی است که ما باید در جریان کنفرانس حاضر بحل آن پردازیم . زیرا که رفقا پس از بازگشت به محل خود نه تنها باید فوراً به کارهای زیادی پردازند بلکه باید عده کثیری از کادرهایی را نیز که بمعیت آنها کارها انجام میشود ، هدایت کنند . بویژه این نکته در مورد رفقای صادق است که در دهستانها ، شهرها و همچنین در کئوپراتیوها ، در ادارات خواربار ، تجارت و در دفاتر خرید کار میکنند ، رفقای که شخصاً به انجام وظایف عملی نظیر بسیج توده‌ها برای ایجاد کئوپراتیوها ، تنظیم و حمل و نقل غلات و تجارت با مناطق خارج میپردازند . چنانچه سبک رهبری آنها نادرست باشد و متدهای صحیح و مؤثری بکار نیندند ، این فوراً در نتیجه کارشان تأثیر خواهد گذاشت و موجب خواهد شد که کارهای ما از پشتیبانی توده‌های وسیع محروم بمانند و ما هم نخواهیم توانست در جریان پائیز و زمستان امسال و همچنین در جریان بهار و تابستان آینده نقشه ساختمان اقتصادی دولت مرکزی را کاملاً انجام دهیم . بدینجهت من میخواهم توجه رفقا را به نکات زیرین جلب کنم :

اول ، باید توده‌ها را از طریق اقدامات مختلف سازمانی بسیج کرد . قبل از همه ، رفقای هیئتهای رئیسه و ادارات اقتصاد ملی و دارائی مراتب مختلف ارگانهای قدرت باید بحث ، نظارت و کنترل تمام کارهای مربوط به فروش اوراق قرضه ، توسعه کئوپراتیوها و تنظیم خواربار و رشد تولید و تجارت را همواره در دستور روز کار خود قرار دهند ؛ سپس باید سازمانهای توده‌ای و بطور عمده اتحادیه‌های کارگری و انجمن‌های دهقانان فقیر را بحرکت در آورد . اتحادیه‌های کارگری باید تمام اعضای خود را بسیج کنند تا در جبهه

اقتصادی به فعالیت پردازند. انجمن‌های دهقانان فقیر پایه محکمی است برای بسیج توده‌ها در امر توسعه کثوپراتیوها و خرید اوراق قرضه؛ ارگانهای قدرت بخش و دهستان باید آنها را بطور فعال هدایت کنند. بعلاوه ما باید در جلساتی که در دهات و یا در خانوارها تشکیل میشود، بسود ساختمان اقتصادی به تبلیغ پردازیم و در جریان آن بطور روشن ارتباطی را که میان جنگ انقلابی و ساختمان اقتصادی موجود است، بیان کنیم و بطور مشخص نشان دهیم که چگونه باید شرایط زندگی توده‌ها را بهبود بخشید و نیروی مبارزه خود را بالا برد. باید از مردم دعوت کنیم که برای خرید اوراق قرضه تعهد بسپارند، کثوپراتیوها را توسعه دهند، تأمین خواربار را تنظیم نمایند، پشتوانه پول را تحکیم کنند و تجارت را توسعه بخشند؛ باید از آنها دعوت کنیم که برای تحقق این شعارها بمبارزه برخیزند؛ و باید شور و شوق توده‌ها را بالا ببریم. هرگاه برای بسیج توده‌ها و تبلیغات در میان آنها بنحوی که شرح داده شد، به اقدامات مختلف سازمانی توسل نجوئیم، یعنی هرگاه هیئت‌های رئیسه، ادارات اقتصاد ملی و دارائی مراتب مختلف ارگانهای قدرت، برای بحث و کنترل کار ساختمان اقتصادی مراقبت فراوان بخرج ندهند، فعالیت سازمانهای توده‌ای را بر نیانگیزند و میتینگ‌های تبلیغاتی توده‌ای ترتیب ندهند، بهدفعهای خود دست نخواهیم یافت.

دوم، طرق بسیج توده‌ها نباید بوروکراتیک باشد. در زمینه ساختمان اقتصادی نیز مانند هر فعالیت انقلابی دیگر بکار بردن طرق بوروکراتیک رهبری جایز نیست. باید بوروکراسی، این پلیدی را که مورد تنفر هر يك از رفقا است، به زباله‌دان ریخت. شیوه کاری که رفقای ما ارجح میشمارند، باید شیوه‌ای باشد که توده‌ها بدان علاقمندند یعنی شیوه‌ای که مورد پسند هر

کارگر و دهقان است . یکی از تظاهرات بوروکراسی ، سستی در کار است که خود نتیجه بی تفاوتی یا بی‌مبالاتی است . ما باید با تمام قوا با این پدیده مبارزه کنیم . تظاهر دیگر بوروکراسی کماندیسیم است . کسیکه به کماندیسیم تشبث میجوید ، در ظاهر هیچگونه سستی در کار خود نشان نمیدهد و حتی بنظر میرسد که با مجاهدت کار میکند . ولی در واقع ممکن نیست با توسل به کماندیسیم کثوپراتیوها را بسط داد و حتی اگر آنها مدتی هم بظاهر پیشرفت کنند ، نمیتوانند استحکام یابند ؛ و سرانجام توده‌ها اعتماد خود را نسبت به آنها از دست میدهند و این امر به تکامل آنها لطمه وارد میآورد . فروش اوراق قرضه از راه کماندیسیم بدین قسم که توزیع اوراق را بنا بخواست خود تحمیل کنیم بدون آنکه بدانیم آیا مردم می‌فهمند که موضوع بر سر چیست و آیا میتوانند برای این یا آن مبلغ تعهد بسپارند ، فقط توده‌ها را ناراضی میکند و نمیگذارد که تمام اوراق قرضه را بفروش رسانیم . ما باید شیوه‌های کماندیستی را حتماً بدور افکنیم ؛ ما باید با پیگیری تبلیغ کنیم و توده‌ها را متقاعد سازیم ؛ ما باید با در نظر داشت شرایط مشخص و حالات روحی توده‌ها ، کثوپراتیوها را بسط و توسعه دهیم ، اوراق قرضه را بفروش رسانیم و کار بسیج توده‌ها را در زمینه اقتصادی تمام و کمال انجام دهیم .

سوم ، ما برای برانگیختن جنبش ساختمان اقتصادی به تعداد زیادی کادر نیازمندیم . صحبت بر سر ده‌ها و صدها نفر نیست بلکه بر سر هزاران و ده‌ها هزار فرد است . که ما باید آنها را متشکل کنیم ، آموزش دهیم و به جبهه ساختمان اقتصادی گسیل داریم . آنها فرماندهان جبهه اقتصادی خواهند بود و توده‌های وسیع مردم مبارزان این جبهه . غالباً از نبودن کادر شکایت میشوند . ولی رفقا ، آیا ما واقعاً کادر نداریم ؟ از میان توده‌هایی که در مبارزه ارضی ،

مبارزه اقتصادی و جنگ انقلابی آبدیده شده‌اند ، کادرهای بسیار زیادی بیرون آمده‌اند ؛ چگونه میتوان گفت که کادر نیست ؟ چنانچه خود را از این نظرات نادرست برهائید ، کادرها را در پیرامون خود خواهید دید .

چهارم ، امروز ساختمان اقتصادی نه تنها از وظیفه عمومی ما یعنی جنگ ، بلکه از وظایف دیگر نیز جدائی ناپذیر است . فقط با بررسی جدی نتیجه کار تقسیم اراضی (۳) است که میتوان بطور قطع مالکیت ارضی فئودالی و نیمه فئودالی را برانداخت ، شوروشوق دهقانان را در کار تولیدی افزایش داد و توده‌های وسیع دهقانان را بسرعت به جبهه ساختمان اقتصادی کشانید . فقط با اجرای قاطع قانون کار است که میتوانیم شرایط زندگی توده‌های کارگر را بهبود بخشیم ، آنها را در راه شرکت فعال و سریع در ساختمان اقتصادی سوق دهیم و نقش رهبری آنها را در قبال دهقانان تقویت کنیم . فقط با رهبری صحیح در انتخابات و همچنین در جنبش افشاگری (۴) که بموازات جنبش بررسی نتیجه کار تقسیم اراضی دنبال میشود ، میتوانیم ارگانهای قدرت را تقویت کنیم ، و در نتیجه دولت ما میتواند با قوت بیشتری جنگ انقلابی و تمام بخش‌های کار ما و از آنجمله کار اقتصادی را رهبری کند .

ارتقاء سطح سیاسی و فرهنگی توده‌ها از طریق کار فرهنگی و تربیتی نیز برای رشد اقتصاد ملی اهمیت فراوان دارد . در اینکه توسعه صفوف ارتش سرخ نباید حتی یکروز هم از نظر فروگذارده شود ، بحثی نیست . برای همه روشن است که هرگاه ارتش سرخ پیروزی بدست نیآورد ، محاصره اقتصادی تشدید خواهد شد . از طرف دیگر بدون تردید رشد اقتصاد ملی و بهبود شرایط زندگی اهالی نیز بنوبه خود به توسعه صفوف ارتش سرخ کمک بسیار خواهد کرد و توده‌های وسیع را بر خواهد انگیخت که با شور و شوق بسوی جبهه رهسپار شوند . خلاصه ، چنانچه ما تمام وظایف فوق الذکر و از آنجمله وظیفه

نوین و فوق‌العاده مهم ساختمان اقتصادی را پایان برسانیم و اگر ما تمام این وظایف را در خدمت جنگ انقلابی بگذاریم ، بدون شك پیروزی جنگ انقلابی نصیب ما خواهد شد .

یادداشتها

- ۱ - ارتش چانکایشك از سال ۱۹۳۰ تا سال ۱۹۳۴ به پنج حمله بزرگ بنام عملیات " محاصره و سرکوب " علیه منطقه سرخ که مرکز آن ژوی جین واقع در جیان سی بود ، دست زد . پنجمین عملیات " محاصره و سرکوب " در اکتبر ۱۹۳۳ آغاز گردید ولی چانکایشك آنها را از تابستان ۱۹۳۳ فعالانه تدارك دیده بود .
- ۲ - جین و لیان هر دو واحد وزن چین است ، یک جین مساوی است با ده لیان و یک لیان با ده چیان (در آن زمان یک جین مساوی با ۱۶ لیان بود) و یک جین مساوی با نیم کیلومیباشد . - مترجم
- ۳ - جنبش بررسی نتیجه کار تقسیم اراضی پس از تقسیم زمین در مناطق سرخ برپا شد . هدف این جنبش تحقیق در این امر بود که آیا تقسیم زمین بدرستی صورت گرفته است یا نه .
- ۴ - جنبش افشاگری جنبش دموکراتیکی بود که طی آن توده‌های وسیع مردم اعمال زشت کارمندان دولت دموکراتیک را از پائین بیابا افشا میکردند .

چگونگی

تعیین تعلق طبقاتی در روستا

(اکتبر ۱۹۳۳)

۱ - مالکان ارضی

مالك ارضی کسی را میگویند که صاحب زمین است ولی خودش کار نمیکند، یا آنکه خیلی کم کار میکند و زندگی خود را از طریق استعمار دهقانان تأمین مینماید. دریافت بهره مالکانه شکل عمده استعمار دهقانان توسط مالك ارضی است؛ علاوه بر این مالك ارضی یا رباخواری میکند، یا مزدور میگیرد و یا بامور صنعتی و تجارتي میپردازد. لیکن شکل عمده استعمار دهقانان توسط مالك ارضی تحمیل بهره مالکانه است. اداره زمینهای عمومی و دریافت بهره مالکانه از اراضی مدارس (۱) نیز جزو اشکال استعمار از طریق بهره مالکانه بشمار میرود.

اثر حاضر سندی است که در ماه اکتبر سال ۱۹۳۳ توسط رفیق مائو تسه دون بمنظور اصلاح انحرافات که در کار اصلاحات ارضی پدید آمده بود، و نشان دادن راه حل صحیح مسئله ارضی نگاشته شده است. این سند از طرف دولت دموکراتیک مرکزی کارگری - دهقانی وقت پذیرفته شد؛ از ملاکهایی که در این اثر آمده، برای تعیین تعلق طبقاتی در روستا استفاده گردیده است.

مالك ارضی ورشکسته‌ای که کار نمیکند و از راه کلاشی یا غارت و یا به طفیل نزدیکان و دوستان خود امرار معاش میکند و زندگی اش بهتر از زندگی دهقانان میانه حال معمولی است ، نیز مالك ارضی قلمداد میشود . دیکتاتورهای نظامی ، بوروکراتها ، مستبدین محلی و متنفذین شریر نمایندگان سیاسی و سفاکترین عناصر طبقه مالکان ارضی بشمار میروند . در میان دهقانان مرفه نیز غالباً مستبدین محلی و متنفذین شریری یافت میشوند که نفوذ و قدرت کمتری دارند .

مباشران که در دریافت بهره مالکانه یا اداره املاک بمالکان ارضی کمک میکنند و منبع درآمدشان بطور عمده وابسته به استثمار دهقانان توسط مالکان ارضی است و زندگی شان بهتر از زندگی دهقانان میانه حال معمولی است ، نیز باید جزو دسته مالکان ارضی حساب شوند .

کسانیکه رباخواری منبع عمده درآمدشان است و از این طریق استثمار میکنند و زندگی شان بهتر از زندگی دهقانان میانه حال معمولی است ، رباخوار نامیده میشوند و باید جزو دسته مالکان ارضی حساب شوند .

۲ - دهقانان مرفه

دهقانان مرفه علی القاعده صاحب زمین اند . معذک بعضی از آنها فقط صاحب مقداری زمین میباشند و مقداری هم اجاره میکنند . بعضی دیگر هم هستند که از خود زمینی ندارند و تمام زمینی را که میکارند ، اجاره میکنند . دهقانان مرفه معمولاً وسایل تولید بیشتر و بهتر و سرمایه گردان بیشتر دارند و در کار شرکت مینمایند ، معذک قسمتی از درآمد یا قسمت اعظم درآمد آنها همیشه از راه استثمار عاید شان میشود . دهقانان مرفه بطور عمده کار